

خط و نوشتار



ما زبان و گفتار را در خانه و پیش خود یاد می‌گیریم ولی **خط و نوشتار** را در مدرسه و نزد معلم می‌آموزیم. برای «گفتن» محتاج تمرین و پرسش و تکرار نیستیم اما برای «نوشتن» ناگزیریم زحمت بسیار بکشیم و از درس و کلاس و مشق و تمرین کمک بگیریم. راز این تفاوت در چیست؟ برای پی بردن به این راز باید به نکات زیر توجه کنیم.

زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد؛ حال آنکه **خط و نوشتار ذاتی و طبیعی انسان نیست و ریشه در اجتماع و فرهنگ** او دارد. انسان همواره از نعمت زبان و گفتار برخوردار بوده است؛ بنابراین، سابقه زبان و گفتار به میلیون‌ها سال پیش بازمی‌گردد ولی سابقه خط به زحمت به ده هزار سال پیش می‌رسد.

خط و نوشتار، خاستگاه اجتماعی و فرهنگی دارد و ساخته خود انسان است. در نتیجه، برای یادگیری آن ما به استعداد طبیعی خاصی مجهز نیستیم بلکه باید آن را، مثل همه چیزهای دیگری که ساخته انسان اند، به کمک هوش و حافظه و از طریق درس و مدرسه بیاموزیم اما در مورد زبان و گفتار وضع فرق می‌کند؛ زیرا استعداد یادگیری زبان و گفتار، طبیعی و خدادادی است و ما به هنگام یادگیری زبان، این استعداد پیش داده را در قالب زبان‌های مشخص می‌ریزیم؛ یعنی، آن را – بسته به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم – به شکل زبان فارسی یا عربی یا انگلیسی و مانند این‌ها درمی‌آوریم. این است که یادگیری زبان و گفتار به هوش و حافظه و درس و مدرسه نیازی ندارد و هر انسان سالمی از عهده آن برمی‌آید.

برخلاف آنچه تصور می‌شود، خط و نوشتار هیچ بخشی از بخش‌های اصلی زبان و گفتار را تشکیل نمی‌دهد. چرا که زبان و گفتار – همان‌طور که گفتیم – میلیون‌ها سال وجود داشته است؛ بی‌آنکه اثری از خط و نوشتار در میان بوده باشد. خط و نوشتار را انسان بنا به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی اختراع کرده و برای تثبیت زبان و گفتار به کار گرفته است.

فعالیت

درباره علت پیدایش خط و نوشتار در کلاس گفت و گو کنید.

از این گذشته، خط و نوشتار به طور غیرمستقیم و به واسطه گفتار با زبان پیوند می‌خورد؛ به این معنی که ما نخست زبان را به صورت گفتار درمی‌آوریم. آن‌گاه گفتار را به کمک خط به شکل نوشتار می‌نویسیم. علت اینکه ما جملات را در حین نوشتن در ذهن خود تکرار می‌کنیم، بی‌گمان همین است. از نکته اخیر این نتیجه نیز به دست می‌آید که خط و نوشتار هم – درست مثل گفتار – در معرض اشتباه و تنوع و گوناگونی است. راز اصلی نیاز ما به آموختن خط و نوشتار این است که زبان پس از آنکه از طریق گفتار به شکل نوشتار در می‌آید، از صورت گفتاری خود فاصله می‌گیرد و به مرور زمان و در طول قرون، شکلی متفاوت و مخصوص به خود پیدا می‌کند.

خودآزمایی

۱) چرا شکل گفتاری و نوشتاری کلمات زیر تفاوت دارد؟

خواهر، خوردن، خواستار، خوابیدن

۲) بررسی کنید که آیا در زبان‌های دیگر نیز بین شکل گفتاری و نوشتاری کلمات تفاوت وجود

دارد. چند نمونه بیان کنید.

۳) تفاوت‌های میان گفتار و نوشتار را با ذکر مثال بنویسید.

املا

«بایدها» و «نبایدها»ی املائی (۱)

الف) حرف ها

ملاحظات	ردیف	باید و نبایدها
نوع این خط «نسخ و چایی» است و برای املا توصیه نمی شود.	۱	نوع خط
نوع این خط تحریری است و اختصاص به دست نوشت دارد.		جز راست نباید گفت ، هر راست نشاید گفت .
نوع این خط ، تحریری شکسته است و برای املا توصیه نمی شود.		جز راست نباید گفت ، هر راست نه گفت .
برای صحیح نوشتن این قبیل کلمات بر نقطه باید دقت کرد.	۲	نقطه
هنگام نوشتن این قبیل کلمه ها، مواظب باشیم که تعداد نقطه ها کم یا زیاد نشود.		پس چچمان ، شیخون ، تپش ، پوشش ، بخش
گذاشتن نقطه یا نگذاشتن آن در این کلمات نیز به دقت نیاز دارد.		تیرو تبر ، چاه و جاه ، پور و بور ، تفت و نفت ، یار و بار ، قال و فال
اگر تعداد نقطه ها درست باشد اما آنها را در سر جای خود نگذاشته باشیم، مشکلاتی ایجاد خواهد شد.		تقی و تقی باز و بار ، کز و کر ، رحمت و رحمت ، دست و دست
		بنی و بنی ، بناز و بناز ، بنات و بنات

ردیف	باید و نبایدها	مثال	ملاحظات
۳	دندان	درس و درس ، شادی و شادی ، درش و درش و درش ، گلش و گلش	س و ش سه دندانه دارند و هنگام نوشتن آنها این مورد همه جا باید رعایت شود. مگر در جاهایی که می‌توانیم آنها را به شکل کشیده بنویسیم.
		سخن (سخن) ، شجاعت (شجاعت) ، سر و سر (سر) ، درش (درش) ، اسم و اسم (اسم) ، روشن (روشن) ، سه و سه ، سهام (سهام) ، سیاه و سیاه ، سی (سی) ، کوشش ، کوشش ، کوشش ، (کوشش)	شکل کشیده «س» و «ش» مخصوص خط تحریری است و همه جا نمی‌توان آن را به کار برد.
		صحنه (صحنه) ، صندوق (صندوق) ، انضباط (انضباط)	«ص» و «ض» همیشه باید یک دندانه داشته باشند.
۴	شکل حرف	خواب (خواب) ، ظهر (ظهر) تکبیل (تکبیل) ، گفت (گفت) ، پسر (پسر) ،	هر حرفی باید به شکل صحیح خود نوشته شود.
۵	شکل های حرف	علم ، معلم ، شمع ، شرع (علم) ، معلم ، شمع ، شرح هادی ، هادی ، هادی ، مهدی ، روزه (روزه)	حرف‌هایی مثل : ب ، ج ، خ ، غ ، ف ، ق ، ک ، ل ، م ، ن ، ه ، ی در اول ، وسط و پایان کلمه شکل‌های گوناگونی دارند و نمی‌توان یکی از این شکل‌ها را به جای دیگری به کار برد.
		یادآوری : املائی کلماتی مانند «خانه» و «سایه» به همین شکل است و نوشتن آنها به شکل «خانه» و «سایه» مخصوص خط نسخ و چاپ است.	

ملاحظات	مثال	باید و نبایدها	ردیف
نشانه‌ای که دو حرف «ک» و «گ» را از یکدیگر مشخص می‌کند، سرکج (یا سرکش) آنهاست و رعایت آن کاملاً ضروری است.	گلاب (کلاب)، عسکر (عسگر) جنگاور (جنگاور)	سرکج	۶

چند نکته: اکنون با دقت در جدول قبل چند نکته را توضیح می‌دهیم:

۱) دست نوشته بعضی شبیه خط چاپی کتاب است که به آن خط «نسخ» می‌گویند. دست نوشته عده‌ای دیگر به نستعلیق ریز نزدیک است که معمولاً به آن خط «تحریری» گفته می‌شود. بعضی هم با خط «تحریری شکسته» می‌نویسند. عده‌ای هم از یک خط مشخص و ثابت استفاده نمی‌کنند و آمیخته‌ای از خط‌های یاد شده را به کار می‌برند. باید توجه کنیم که هر یک از انواع این خط‌ها برای خود اصول و ضوابطی دارد که لازم است رعایت شود؛ مثلاً کسی که به خط شبه نسخ می‌نویسد، نباید از «س» و «ش» کشیده استفاده کند. به این مثال توجه کنید:

کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌ها
متعالی است.
(صحیح: اندیشه، است)

همچنین، کسی که به خط تحریری می‌نویسد، نباید مثلاً، «ه» پایانی را به شکل «ه» بنویسد. به این مثال توجه کنید.

کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌های متعالی
است.

کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌های متعالی
است.
(صحیح: کتابخانه، اندیشه)

فعالیت

جمله‌ای را با انواع خط‌های نسخ، تحریری و شکسته روی تخته بنویسید. سپس درباره ضوابط و باید و نبایدهای هر یک از این خط‌ها با هم کلاسی هایتان گفت‌وگو کنید.

۲) الفبای خط فارسی در مقایسه با الفبای خط‌های مشهور دنیا، پرنقطه‌ترین است؛ بنابراین، در نوشتن املا باید حرف‌های یک نقطه‌ای، دو نقطه‌ای و سه نقطه‌ای را دقیقاً بشناسیم و نقطه هر حرف را درست در جای خاص آن قرار دهیم.

۳) حرف‌های «س» و «ش» سه دندانه‌ای و حرف‌های «ص» و «ض» یک دندانه‌ای هستند و رعایت تعداد دندانه‌ها کاملاً ضروری است. در خط تحریری «س» و «ش» به شکل کشیده و به صورت *س و *ش نیز نوشته می‌شوند. این کشیده‌نویسی بر سرعت نوشتن و زیبایی خط می‌افزاید.

۴) نوشتن هر یک از حرف‌های الفبا قاعده‌ای دارد؛ مثلاً هنگام نوشتن حرف «الف» تنها مداد از بالا به پایین حرکت می‌کند؛ در حالی که برای نوشتن الف پیوسته، حرکت مداد از پایین به بالاست. چنان‌که در این کلمه ملاحظه می‌شود: (دانا) (دانا). همچنین است حرف ط (شکل غلط ط).

۵) بیشتر حرف‌های الفبا چندشکلی هستند؛ مثلاً «غ» به چهار شکل «غ، غ، غ، غ» نوشته می‌شود و کاربرد هر یک از آنها در جایگاه خاص خود در کلمه صحیح است.

۶) یکی از تصرفات فارسی زبانان در حروف الفبای عربی استقلال دادن به حرف «گ» است که با افزودن یک سرکج (سرکش) به حرف «ک» ساخته شده است. این تصرف را در حرف‌های «پ، چ، ژ» نیز می‌بینیم. هنگام نوشتن، بی توجهی به تعداد سرکج (سرکش)، در نوشته مشکل و ابهام ایجاد می‌کند.



آنچه در این درس خواندیم، نمونه‌هایی از «بایدها» و «نبایدها»ی املا فارسی است. بی‌شک رعایت دقیق این «ضابطه‌ها» به ما در درست و تند نوشتن خط فارسی کمک

فَعَالِيَّت

از متن درس‌های ۱ تا ۶ کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی (۲) املا

بنویسید.

گروه کلمات برای املاي شمارهٔ یک

تمایز و اختلاف - به ناچار و ضرورتاً - سهو و خطا - بی‌حوصلگی و اضطراب -
نمایش پانتومیم - لهجه و گویش - در معرض لغزش - انصاف و مروّت - بیکار و سلندر -
حقوق بین‌الملل - طبیعی و ذاتی - محاوره و گفت‌وگو - تعابیر و اصطلاحات - تأثیر
حیرت‌انگیز - موقعیت و اقلیم - جزئیات طرح - آمار و ارقام - خصوصیات اخلاقی - نظم
و انسجام - ترجیح و برتری - دریافت و تلقی - امثال و حکم - اعتلا و ارتقا - خاستگاه
اجتماعی - مجهّز و آماده - تنوع و گوناگونی - طیّ قرون - اندیشه‌های متعالی - رعایت
ضابطه‌ها - مصاحبت و هم‌نشینی - صمیمی و مخلص - عدم تطابق - لزوماً و قطعاً - بهای
نازل - وسایل نقلیه - نادر و کم‌نظیر - حمله و شیبخون - نظم و انضباط .

أحد و صمد - مرهم دلِ مجروح - نور و ضیا - مقبرة الشعرا - سبحانه رحمت -
ابوالعجایب - توتیای چشم - لسان غیب - آرایهٔ تلمیح - ایلیاد و اُدیسهٔ هومر - حماسهٔ
مهابهارات - باذل مشهدی - سلیح و جنگ‌افزار - خنده و مزیح - درخت سندروس -
سوفار و دهانهٔ تیر - زه و احسنت - قابلیت ارتجاع - موقوف‌المعانی - قصر امل -
عمر و بن‌عبدود - اسب اَبْرش - امتناع و سرپیچی - غضنفر و شجاع - حماسهٔ مصنوع -
منزه از دغل - غزا و بیکار - مأمور و مطیع - صحنهٔ تئاتر - نصب آگهی - اصرار و
التماس - هاج و واج - نصیب و بهره - مسئول‌برگزاری - ماشین قراضه - مات و مبهوت -
صدای تپانچه - محوطة آرام - ضعیف و بی‌رمق - رُقبای ورزشی - زمزمهٔ مظلومانه -
۳۵

رقابت تنگاتنگ - حمله و هجوم - حسرت بار و غم زده - تالّو آب - ساطع و درخشان -
 فقر و غنا - عمرو بن لیث - هزیمت و شکست - قوت و غذا - مسالک المحسنین -
 خصایل نیک - فضیلت های اخلاقی - نثر معاصر - ترفیع رتبه - لوازم عاریه - جوان
 دیلاق - صلّه آرحام - لهذا و بنابراین - استیصال و بیچارگی - مخیله شاعر - کج و معوج -
 دل بستگی غیر مترقبه - استدعای عاجزانه - ابا و امتناع - ازل و ابد - خیاط و درزی -
 بذله و لطیفه - مجلس آرای بلامعارض - حرف های قلبه - محظوظ و برخوردار - انیس
 و مألوف - مائده آسمانی - محظور و رودربایستی - شخص شخیص - توطئه دشمن -
 آلوی برغان - مضغ و جویدن - هضم و گوارش - بقولات و حُبوبات - بحبوحه مسابقه -
 زوال و فنا - وقاحت و بی شرمی - صندوقه اسرار - ادا و اطوار - غلیان درونی - خنده
 تصنعی - اداره امنیه - اسباب و اثاثیه - هیبت و سُکوه - خلع سلاح - عجز و لابه - رَجَز
 خوانی و خودستایی - کِشت صیفی - اسیر و غریب - تشییع جنازه - قدغن و ممنوع -
 معذب و گرفتار - جرّ و بحث - حکم قصاص - علم صلیب مانند - شَعشعه و روشنی -
 وصل و لقا - مشقّت و سختی - مذلت و خواری .

* * *